

مقالات (۷۰)



مرکز مطالعات متین
MatinStudies.com

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی

مصطفی عطیة جمعة | ترجمه: شهاب الدین امیرزاده شمس



برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی

تمدن غربی مدرن، بر پایه اصل جدایی دین از سیاست شکل گرفته است، که این رویکرد را از مواضع خصمانه علیه کلیسا در قرون وسطی به ارث برده است. از این رو، طبیعی است که گفتمان این تمدن در بسیاری از جنبه‌ها گرایشی سکولار داشته باشد. با این حال، گفتمان دینی مسیحی به طور کامل از صحنه کنار نرفته است. این گفتمان نه تنها در میان متدینان باقی مانده، بلکه در گفتار استعماری نیز حضور داشته، جایی که مسیحیت به عنوان نماد گسترش و سلطه فرهنگی و سیاسی به کار گرفته شده است.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

چهره سکولار تمدن غربی پیامدهای فاجعه‌باری به همراه داشته است، از جمله تضعیف ارزش‌های اخلاقی، افراط در لذت‌گرایی، فروپاشی ساختار خانواده، سرگشتگی انسان مدرن، و از دست دادن مرجعیت معنوی فراتراز ماده. این چالش‌ها زمینه‌ساز بازنگری‌های انتقادی شده‌اند که در ظهور جریانی تحت عنوان پس‌اسکولاریسم (Post-Secularism) تجلی یافته و به بررسی مجدد نقش دین و معنویت در زندگی انسان معاصر می‌پردازد.

این تفکر پرسش‌هایی را درباره نقش ادیان در تاریخ بشر و تمدن، چه آسمانی و چه وضعی، مطرح می‌کند. همچنین به بررسی تنوع گسترده ادیان و تأثیر عمیق آنها در رقابت‌های فرهنگی و تمدنی می‌پردازد. در این راستا، تفاوت میان ادیان تاریخی و معاصر (آسمانی و زمینی) مورد توجه قرار گرفته و مفاهیمی چون مقدس و دنیوی، روح، نیروهای فراطبیعی، خدایان، خداوند، نیروانا، نفس، برهمن و دیگر اصطلاحات بازنگری می‌شوند. علاوه بر این، روش‌های ارزیابی پیروان این ادیان از جنبه‌هایی چون خوب، بد، بی‌تفاوت یا هولناک نیز بررسی می‌شود.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

این تفکر همچنین به پرسش‌هایی درباره مرزهای میان متعالی و متمایز (دینی و اخلاقی)، شرایط محیطی (مکانی) و زمانی آن پرداخته و این که چرا برخی رویدادها، اشیاء یا اعمال ویژگی مقدس بودن را دارند؟ و چگونه ارزش‌های متعالی ظاهر می‌شوند و خود را در این دنیا نمایان می‌کنند؟¹

این‌ها سوالات فکری عمومی هستند که بیانگر برداشت تلخ از جامعه غربی است پس از قرن‌ها حذف دین از زندگی (به طور عمده)، که منجر به پیامدهای اخلاقی، ارزشی، روحی و اجتماعی خطرناکی شده است.

یکی از تراژدی‌های تمدن آن است که غلبه تفکر بر آن، تمدنی فلسفی و مملو از تناقضات ایجاد می‌کند که انسان‌ها را از حرکت به سوی پیشرفت بازمی‌دارد. اگر انسان در شهوات، تمایلات و انحرافات خود غرق شود و از ارزش‌ها و اخلاق فاصله بگیرد، پایه‌های انسانی که تمدن بر آن استوار است، فرو می‌ریزد. همچنین، اگر منابع مادی کاهش یابند - خواه به واسطه

1- POST-SECULARISM OR LIBERAL-DEMOCRATIC CONSTITUTIONALISM?, Veit Bader, Erasmus Law Review, Erasmus University Rotterdam , Rotterdam, Netherlands, 2012, Volume 5, Issue 1, PP 2-5.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

خشکسالی‌های گسترده، سیلاب‌های ویرانگر یا زلزله‌های مخرب - انسان و دستاوردهای تمدنی‌اش نابود خواهند شد. افزون بر این، حذف دین از زندگی، انسان را دچار سرگشتگی و بی‌ثباتی می‌کند و او را از مرجعیت ثابت الهی برای ارزش‌ها و اخلاق محروم می‌سازد.

این فرآیند به طور متفاوتی در تمدن‌های مختلف رخ داده است؛ برخی از تمدن‌ها نابود شده‌اند، برخی ضعیف شده‌اند و برخی دیگر به‌پا خاسته و شکوفا شده‌اند.

تمدن اسلامی ممکن است دچار ضعف شود، اما هرگز به طور کامل نابود نخواهد شد، زیرا بنیاد آن بر کتابی مقدس استوار است. مسلمانان با پیروی از ارزش‌های قرآن و تحقق خلافت الهی از طریق آبادانی زمین، به حفظ و احیای آن می‌پردازند. ارزش‌های این تمدن همچنان به مرجعیت متنی مقدس متصل خواهند بود و این پیوند به انسان توانایی بازآفرینی خلاقیت و گسترش بخشندگی را می‌بخشد. ضعف یا عقب‌نشینی تمدن اسلامی،

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

به جای آنکه ناشی از نقص در مرجعیت یا روش باشد، به ضعف خود انسان مسلمان بازمی‌گردد.

اندیشه خلاق تمدن دارای نشانه‌های ضروری بسیاری است که از مهم‌ترین آن‌ها پویایی، مثبت‌نگری و حرکت انسان است. اندیشه‌ای که ایستا، منفی‌نگر یا منزوی باشد، هرچند اخلاق‌مدار یا آرمانی به نظر برسد، هرگز نمی‌تواند بستری برای تمدن‌سازی فراهم کند. از این رو، تأکید می‌کنیم که تمدن اسلامی بر پایه اندیشه‌ای الهی و متعالی بنا شده است؛ اندیشه‌ای که تبیینی برای رابطه انسان با خالق جهان، سپس رابطه انسان با جهان هستی، و در نهایت رابطه انسان با هم‌نوعان خود ارائه می‌دهد.

این اندیشه در چارچوب منظومه‌ای از ارزش‌ها و اخلاقیات جای گرفته که در رفتار، تلاش، و آبادانی انسان در زمین نمود می‌یابد.^۲

انسان‌ها در سراسر زمین و در مکان‌های گوناگون پراکنده شده‌اند. برخی تحت تأثیر تمدن قرار گرفته و به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته‌اند، در حالی که گروه‌هایی دیگر همچنان از مظاهر تمدن دور مانده‌اند. اگرچه ممکن است برخی از این گروه‌ها به زندگی بدوی گرایش داشته باشند یا در پایین‌ترین سطوح تمدنی زندگی کنند - مانند قبایلی که در جنگل‌ها، صحراها یا بیابان‌ها ساکن‌اند - این وضعیت به هیچ وجه به معنای نزدیکی آن‌ها به حیوانیت نیست. آن‌ها نیز انسان‌اند، اما سهمشان از امکانات و دستاوردهای تمدنی کمتر است.

۲- الظاهرة الحضارية في القرآن والسنة، د. عبد الحليم عويس، مقاله منتشرشده در مجلة البحوث الإسلامية، الرئاسة العامة لإدارة البحوث العلمية والإفتاء، الرياض، شماره ۲۱، ۱۴۰۱ هـ، ۱۶۵، ۱۶۶.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

این وضعیت به دلایل متعددی بازمی‌گردد، از جمله سختی‌های محیط جغرافیایی و انزوای این گروه‌های انسانی، که باعث شده آن‌ها در زبان، ارزش‌ها، سنت‌ها و روش‌های تأمین معاش خود متمایز بمانند و از هرگونه ارتباط گسترده با دیگر جوامع انسانی فاصله بگیرند.

اگر غرب - به‌عنوان مثال - به نژاد سیاه‌پوست در آفریقا از زاویه‌ای نگاه کند که نوع زندگی آن‌ها را نزدیک به حیوانیت و توحش ببیند و فرض کند این افراد هیچ راهی برای پیشرفت یا دستیابی به تمدن ندارند، زیرا آن‌ها را نژادی وحشی و بدوی تصور می‌کند، چنین دیدگاهی به‌وضوح بیانگر نژادپرستی شدید است. این نگاه، نه‌تنها تحقیرآمیز و غیراخلاقی است، بلکه نافی ارزش‌های انسانی مشترک میان تمام جوامع است.

چنین دیدگاهی این گروه‌ها را «بربر» می‌نامد، اصطلاحی که توجه فیلسوف فرانسوی تزوتان تودوروف (Tzvetan Todorov) را به خود جلب کرد و او تلاش کرد مفهوم آن را تجزیه و تحلیل کند. تودوروف توضیح داد که مفهوم «بربریت» از میراث یونانی گرفته شده و به افرادی اطلاق می‌شود که قوانین

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

اساسی زندگی را زیر پا می‌گذارند و میان خود و سایر انسان‌ها شکاف عملی ایجاد می‌کنند. این افراد بدون ترحم به قتل دست می‌زنند، بی‌پروا به حریم دیگران تجاوز می‌کنند و میان نزدیکان و غریبه‌ها هیچ تفاوتی قائل نمی‌شوند.

به گفته تودوروف، رفتارهای بربرانه شباهت زیادی به زندگی در جنگل دارد؛ جایی که هیچ نظارت، قانون یا حسابرسی وجود ندارد. این افراد معمولاً به صورت پراکنده و در خانواده‌های جدا از هم زندگی می‌کنند، نه در جوامع یا مسکن‌های مشترک. آن‌ها به هرج و مرج و استبداد گرایش دارند و هیچ شناخت یا درکی از نظم اجتماعی ندارند.

تودوروف تأکید می‌کند که چنین تعریفی از «بربریت» بیشتر به عدم رعایت اصول اساسی همزیستی انسانی اشاره دارد و نشان‌دهنده گسستی عمیق از روابط اجتماعی و نظم جمعی است. این مفهوم از میراث یونانی برگرفته شده و رفتارهایی را توصیف می‌کند که همزیستی مسالمت‌آمیز و سازوکارهای اجتماعی را به چالش می‌کشد.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

کشورهایی که مردم آنها تحت حاکمیت مستبدی سرکوبگر قرار دارند، به بربریت نزدیک‌ترند، در حالی که کشورهایی که در آنها مردم به‌طور برابر به‌عنوان شهروند رفتار می‌شوند و در مدیریت امور کشور خود مشارکت دارند، از این وضعیت به دور هستند.^۳

تودوروف نکته مهم دیگری را مطرح می‌کند که می‌توان آن را «نگاه ضدتمدنی» نامید. بر اساس این دیدگاه، غرب معیارهای تمدنی خود را مبنای قضاوت درباره سایر ملت‌ها قرار می‌دهد و این نگاه را به تمامی کسانی که با آن مخالفت می‌کنند، تعمیم می‌دهد و آنها را بربر می‌نامد. در حالی که غرب فراموش می‌کند خود در عمل رفتارهایی بربرانه انجام می‌دهد، زمانی که دیگران را غیرانسانی، وحشی و بدوی تلقی می‌کند.

شکل دیگری از این رویکرد در تبعیض نهادی نسبت به دیگران دیده می‌شود؛ صرفاً به این دلیل که آنها به گروه زبانی خاصی (یعنی زبان‌های اروپایی) تعلق

۳- الخوف من البرابرة: ما وراء صدام الحضارات، تزفیتان تودوروف، ترجمه: د. جان ماجد جبور،

منشورات هیئت‌آبوطبی للثقافة والتراث، چاپ اول، ۲۰۰۹م، ص ۲۱، ۲۲.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

ندارند، یا به همان طبقه اجتماعی اروپایی وابسته نیستند، یا ویژگی‌های روانی مشابه غربیان ندارند. برداشت اروپایی‌ها از مفهوم بربریت، برداشتی فریبنده است، چرا که آن‌ها از این مفهوم برای مخدوش کردن تصویر کسانی استفاده می‌کنند که مورد پسندشان نیستند، به آن‌ها تعرض کرده‌اند، یا برای مشروعیت‌بخشی به قدرت خود. این مفهوم همچنین به عنوان وسیله‌ای برای پنهان کردن میل سلطه‌جویانه اروپاییان استعمارگر عمل می‌کند که آن را در قالب دخالت‌های انسانی و مبارزه برای عدالت جلوه می‌دهند.

به این ترتیب، اروپاییان مفهوم بربریت را زنده نگه می‌دارند تا این تصورات نژادپرستانه مرتبط با آن را حفظ کنند.^۴

توصیف کردن «دیگری» از نگاه اروپایی به عنوان فردی بربر و وحشی، غرور و خودشیفتگی اروپایی که خود را از دیگر ملت‌های دنیا برتر می‌پندارد را ارضا

۴- منبع پیشین ص ۲۴.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

می‌کند و به ارتش‌های استعمارگر برای آنچه بر سر این «بربرها» می‌آورند، توجیهی ارائه می‌دهد.

حسین مؤنس ادعاهای اروپاییان دربارهٔ سیاه‌پوستان را رد کرده و توضیح می‌دهد که نژاد سیاه در شرایط جغرافیایی دشواری به‌وجود آمده است؛ مناطقی که پوشیده از جنگل‌های انبوه، دارای گرمای شدید و پر از جانوران وحشی، حشرات، مارهای گوناگون، عنکبوت‌ها و حشرات سمی هستند. در چنین محیطی، بیماری‌های کشنده‌ای که توسط حشرات منتقل می‌شوند و ناشی از انواع بی‌شماری از میکروب‌ها هستند که در این شرایط جغرافیایی تکثیر و سکونت یافته‌اند، شیوع فراوانی دارند. افزون بر این، گرمای شدید هوا باعث می‌شود انسان نیازی به لباس احساس نکند، به‌طوری که برهنگی را ترجیح می‌دهد و تنها بخش اندکی از بدن خود را می‌پوشاند.

همچنین، وفور غذا در محیط آفریقایی، شامل جنگل‌ها، مراتع، بارش فراوان و رودخانه‌ها، ذهن را به تلاش برای یافتن غذا برنمی‌انگیزد. در نتیجه، انسان سیاه‌پوست برای ارضای غرایز اساسی خود با دشواری مواجه نبوده و این

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

غرایز فعال و غالب باقی مانده‌اند، در حالی که ذهن او دلیلی برای فعالیت، پرورش و تقویت استعدادهایش پیدا نکرده است.

به‌علاوه، به دلیل فراوانی عوامل مرگ، ترس دائمی در وجود آنان نفوذ کرده است. به همین دلیل، انسان ساده‌دل سیاه‌پوست به سحر، کاهنان و خرافات پناه می‌برد.^۵

این وضعیت زندگی برخی قبایل آفریقا را توضیح می‌دهد؛ قبایلی که زندگی‌شان رنگ و بویی نزدیک به حالت بدوی دارد و در مناطق جنگلی و بیشه‌زارها سکونت دارند. باورهای آن‌ها معمولاً بت‌پرستانه است و زندگی‌شان بسیار ساده و ابتدایی است.

اما تمام آفریقا این‌گونه نیست؛ زیرا در این قاره ملت‌هایی وجود دارند که سهم قابل‌توجهی از تمدن را برده‌اند و دارای فرهنگ‌های عمیق هستند،

۵- الحضارة ومضامينها: دراسة في أصول وعوامل قيامها وتطورها، د. حسين مؤنس، سلسلة عالم المعرفة، الكويت، ۱۹۷۸م، ص ۱۹.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

به‌ویژه در مناطقی که اسلام گسترش یافته است. این مناطق عمدتاً در شرق، مرکز و غرب آفریقا قرار دارند، مانند شرق آفریقا در سومالی و سودان، و همچنین در غرب آن، مانند سنگال و مالی.

در این مناطق، حکومت‌های اسلامی متعددی تأسیس شدند که شاهد شکوفایی فرهنگی و تمدنی بودند. این حکومت‌ها توسط پادشاهانی اداره می‌شدند که اسلام را گسترش دادند، ملت‌های بت‌پرست را مغلوب ساختند و از تلاش‌های دانشمندان و مبلغین حمایت کردند.

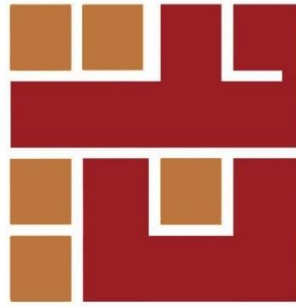
برای نمونه، حکومت اسلامی بولالا در غرب سودان نقشی فرهنگی و دینی ایفا کرد. این مناطق شامل چاد، غنا، سنگال و مالی و نواحی پیرامون آن، به منبعی از تابش تمدن اسلامی بدل شدند و ارتباط مداومی با مراکز فرهنگی اسلامی در مصر، طرابلس و قرآن داشتند.^۶

۶- الإسلام وحضارته في إفريقيا: سلطنة البولالا، د. عبد الفتاح مقلد الغنيمي، مكتبة مدبولي، قاهره، چاپ اول، ۱۹۹۶، ص ۷۹، ۸۰.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |

بزرگ‌ترین نقش در گسترش اسلام به تلاش‌های دانشمندان، مبلغین و تاجران تعلق داشت که از شمال آفریقا (مراکش، الجزایر و مصر) به این مناطق آمده بودند. آن‌ها در شهرها و واحه‌های صحرای بزرگ، مانند جبل نفوسه و زواره در لیبی و وادی مزاب در الجزایر سکونت گزیدند. برخی از آن‌ها در پادشاهی‌های اسلامی آفریقا مستقر شدند، با مردمان محلی پیوند خویشاوندی برقرار کردند و در گسترش اسلام و زبان عربی فعالیت کردند. از این طریق، آن‌ها ملت‌ها را به سوی پیشرفت و ترقی سوق دادند.

برتری جویی و نژادپرستی تمدن غربی |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies